



اشاره: از مدتها قبل به فکر باز کردن جایی در مجله بودیم تا به شعر کودک و نوجوان و نقد و تحلیل آن بپردازیم. نگاه خانم انسیه موسویان که خود از شاعران کارشناس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند سه دفتر شعر کودک گام نخست است که امیدواریم دوستان منتقد و صاحب نظر عرصه شعر کودک و نوجوان در برداشتن محکمتر گام های بعد یاورمان باشند.

از طعم گلابی تا آفرین به آفتاب

● در نگاه اول شاید سرودن شعر برای کودکان و نوجوانان امری ساده به نظر آید، اما حقیقت آن است که برای کودکان و نوجوانان شعر گفتن، معیارها، ضوابط و ویژگیهای خاصی را می طلبد. شناخت دنیای ظریف و لطیف و در عین حال پیچیده کودکان، زبان و انتخاب واژه های مناسب آنها، موسیقی، مفاهیم و مضامین قابل درک و مخصوص به آنها، کاری است بسیار عمیق که از عهده هر شاعری بر نمی آید.

● شاعران کمتر برای کشف فضاهای ناشناخته و جستجو در دنیای بیکران کودکی و نوجوانی به خود زحمت می دهند و کمتر به سراغ مفاهیم تازه و مضمونهای بکر می روند. سراغ مفاهیم تازه و مضمونهای بکر می روند.

جایگاه و اهمیت شعر کودک و نوجوان در روزگار ما بر هیچ کس پوشیده نیست. این جریان به عنوان جزء لاینفکی از ادبیات منظوم این مرز و بوم، سالهاست که حیات خود را آغاز کرده و همچنان در این مسیر نفس می کشد و راه می پیماید. در نگاه اول شاید سرودن شعر برای کودکان و نوجوانان امری ساده به نظر آید. اما حقیقت آن است که برای کودکان و نوجوانان شعر گفتن، معیارها، ضوابط و ویژگیهای خاصی را می طلبد. شناخت دنیای ظریف و لطیف و در عین حال پیچیده کودکان، زبان و انتخاب واژه های مناسب آنها، موسیقی، مفاهیم و مضامین قابل درک و مخصوص به آنها، کاری است بسیار عمیق که از عهده هر شاعری بر نمی آید. در روزگار ما شاعران زیادی آمده اند و رفته اند و برای این قشر شعر سروده اند. متأسفانه شعر کودک و نوجوان در دوره حاضر دچار آفتهای گوناگونی شده که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- عدم تنوع قالب:

قالب چهارپاره به دلایل گوناگون تاکنون بی رقیب ترین قالب در این عرصه بوده است و متأسفانه شاعران زمان ما کمتر دست به تجربه قالبهای دیگر زده اند در حالی که شاعرانی چون محمود کیانوش، پروین دولت آبادی و... در سایر قالبها هم شعرهای درخشان و موفقی برای این طیف سروده اند.

۲- عدم تنوع در موضوع و مضمون:

زمانی نه چندان دور، چند شاعر کودک و نوجوان در شعرهایشان به بیان احساس درباره روستا، طبیعت، کودکی و... پرداختند و سپس این حس نوستالژیک در میان دیگر شاعران کودک و نوجوان به صورت اپیدمی درآمد به گونه ای که اغلب شعرهای سروده شده در این سالها مملو از مفاهیم این چنینی است.

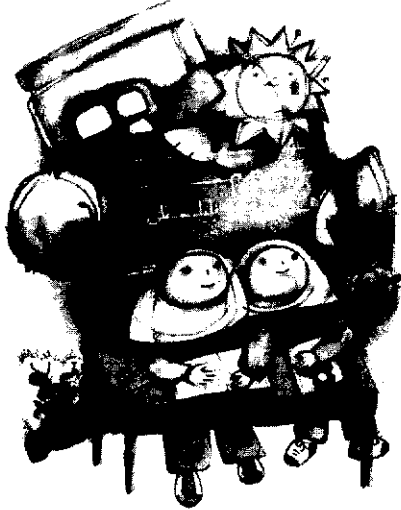
شاعران کمتر برای کشف فضاهای ناشناخته و جستجو در دنیای بیکران کودکی و نوجوانی به خود زحمت می دهند و کمتر به سراغ مفاهیم تازه و مضمونهای بکر می روند. ۳- آفت دیگر، محدودیت واژگان و تصاویر است. به قول دوستی، امروز، هر کتاب شعر کودک را که بنگانیم، از لابه لای برگهای آن یک عالمه پروانه و شاپرک و پنجره و خورشید و... بیرون می ریزد.

و در پایان از همه این مسائل که بگذریم، ناشرین نیز به دلیل سود فراوان تر، به چاپ کتابهای بازاری روی آورده اند و همین امر سبب شده بسیاری از شاعران خوب و موفقی کودک و نوجوان نیز به سمت سرودن این گونه شعرها بروند.

گاه باید ماهها انتظار کشید تا در این آشفته بازار، هرازگاهی کتاب خوب و قابل تأملی منتشر شود که ارزش خواندن داشته باشد.

آفرین به آفتاب

سروده: غلامرضا بکتاش • تصویرگر: سحر حقگو



مثل آوای قرآن قشنگ است (قید اصلاً حشو است) □

آرزو داشت تا زمستان هم
پرشکوفه شود، بهار شود (غیرملفوظ در
شکوفه به ضرورت وزن باید تلفظ شود)
این گونه سهل انگاریها در شعر شاعران
بزرگسال، گاه از سر ناگزیری و به ضرورت وزن
رخ می دهد و امری کاملاً پذیرفتنی است. اما
شاعر کودک باید تا حد امکان از به هم ریختن
نظام و ساختار نحوی پرهیز کند.

در برخی از سروده های این دفتر جای پای
ذهن و زبان شاعران دیگر به چشم می خورد. به
عنوان مثال ابیاتی از شعر «خوش به حال دلم» را
می خوانیم:
ای خدایی که چشمه از دل سنگ / گوش بر
گفته تو می جوشد

در بهاران زمین تشنه ما / جامه سبز از تو می پوشد

□
ای خداوند دشتهای وسیع / ای خداوند کوههای بلند
صاحب بی رقیب بود و نبود / ای خداوند گریه و لبخند...
مطمئناً در ذهن همه ما این ابیات تداعی کننده شعر مشهور کتاب دینی
دوره دبستان است که می گفت:

ای خدای ستاره های قشنگ / ای خدای جهان رنگارنگ

ای که خورشید را تو آوردی / ماه و ناهید را تو آوردی...

و یا شعر «او که رفت» برای حضرت امام، که کل آن تداعی کننده شعری از
افشین علاء، از کتاب «یک سید بوی بهار» است که برای دکتر علی شریعتی
سروده است. برای مقایسه ابیاتی از هر دو شعر نقل می شود:

او که رفت، عاشق بود / او که رفت تنها بود

راه را به ما آموخت / او معلم ما بود

□
از کویر بود، اما / مثل چشمه جاری بود

بوته بود و گل می داد / غنچه ای بهاری بود

(یک سید بوی بهار - افشین علاء)

□
او که رفت چون خورشید / چشمه های تابان داشت

دسته های گرم او / رنگ و بوی باران داشت

□
غنچه های لبخندش / غنچه بهاری بود

در میان چشمانش / رود عشق جاری بود

(شعر او که رفت - ص ۱۸ علی اصغر نصرتی)

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، عدم تناسب شعرها با گروه سنی
است.

ظاهراً کتاب برای گروه سنی ج (سالهای چهارم و پنجم دبستان) سروده
شده است.

در صورتی که بیان برخی از مفاهیم دینی و تربیتی در محدوده سنی این
گروه نیست و شاعر ناگزیر بوده که این مفاهیم را با زبان ساده و قابل فهم
کودک بیان کند که در اغلب شعرها نه تنها موفق نبوده بلکه دچار بیان

□
در این نوشته، مروری داریم بر سه دفتر شعر کودک
و نوجوان که توسط انتشارات سوره مهر به تازگی
منتشر شده اند.

«طعم گلابی» عنوان یک مجموعه شعر کودک و
نوجوان است سروده علی اصغر نصرتی. این کتاب که
شامل هفده قطعه شعر است توسط انتشارات سوره
مهر وابسته به حوزه هنری منتشر شده و تصویرگری
آن را شهرام عظیمی به عهده دارد.

شاید بتوان در نگاه اول اشعار این مجموعه را از
لحاظ مضمون و درون مایه به چند بخش تقسیم کرد:
بخش اول: شعرهایی که مضمون اکثر آنها وصف
طبیعت و آفریده های خداوند است مثل شعرهای:
«زندگی در بهار»، «خوش به حال دلم»، «دریا» و... که
بخش اندکی از این مجموعه را در برمی گیرد.

بخش دوم: شعرهایی با مضامین دینی و تربیتی
نظیر این اشعار: «بشت حجاب قاب»، «گفتگو با خدا»،

«کتاب آسمانی»، «بارش نور»، «تنهای کوچک»، «دفتر پروردگار»، «یک
قصه عاشقانه» و... که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند.

بخش سوم: اشعاری هستند در مضمونهای گوناگون و پراکنده مثل فقر،
آرزو، مادر و... برخلاف تنوع چشمگیر موضوعی که در کتاب طعم گلابی
می بینیم، از تنوع قالب و ساختار در این مجموعه خبری نیست. البته معضل
عدم تنوع قالب در شعر کودک و نوجوان، همانگونه که در ابتدا اشاره شد،
مشکلی است که گریبانگیر کل شعرهای سروده شده برای کودک و نوجوان
در روزگار ماست.

گرچه چهار پاره قالب شناخته شده و مناسبی برای اشعار کودک و نوجوان
است.

اما تعداد شاعرانی که در سایر قالبها نیز تجربه های خوبی برای کودکان به
یادگار گذاشته باشند بسیار اندک است.

گذشته از این کاربرد صور خیال در این سروده ها بسیار محدود است.
بیشترین استفاده را شاعر از صنعت تشبیه کرده و پس از آن در چند مورد
تشخیص، از میان تمام صنایعی که مناسب شعر کودک هستند جای خالی
صنایعی چون تکرار، تضاد، اغراق، حس آمیزی و... بسیار مشهود است. شاید
به همین دلیل است که ما در این کتاب به تصویرهای شعری زنده و ملموس
برای کودکان کمتر برمی خوریم.

در بسیاری از بیتها زبان شاعر یکدست نیست. سکنه های وزنی یا سخت
و مشدد خوانده شدن بعضی از کلمات، به هم ریختن ساختار نحوی جملات
و جابه جایی ارکان جمله در برخی از بیتها، نشانه ضعف زبان و سهل انگاری
شاعر در انتخاب و گزینش واژه هاست. به عنوان مثال به این نمونه ها توجه
کنید:

□
او اگر چه نبود، اما بود

خانه از بوی پاک او لبریز (جابه جایی در ارکان جمله)

□
پر شد از حق حق علی ناگاه
جای خالی حضرت زهرا (مخفف کردن کلمه و مشدد کردن کلمات به
ضرورت وزن)

□
اصلاً این لحظه های خدایی

از طعم گلابی تا آفرین به آفتاب

● گرچه چهار پاره قالب شناخته شده و مناسبی برای اشعار کودک و نوجوان است. اما تعداد شاعرانی که در سایر قالبها نیز تجربه‌های خوبی برای کودکان به یادگار گذاشته باشند بسیار اندک است.

● بیان برخی از مفاهیم دینی و تربیتی در محدوده سنی این گروه نیست و شاعر ناگزیر بوده که این مفاهیم را با زبان ساده و قابل فهم کودک بیان کند که در اغلب شعرها نه تنها موفق نبوده بلکه دچار بیان کلیشه‌ای و شعارگونه شده است. ترکیباتی مثل: چراغ زندگانی، صبح صادق، لحظه‌های خدایی، باغ نماز و... گویای این مطلب است.



نیمایی.

به لحاظ موضوعی، شعرهای کتاب «لغت نامه پونه‌ها»، از همان معضل دیرینه شعر کودک و نوجوان یعنی عدم تنوع موضوع رنج می‌برد. یادی از روزهای مدرسه و کلاس و درس.

فصلها، یادی از روزگار کودکی. بیان احساس شاعر نسبت به شعر، طبیعت و... موضوع این شعرها هستند. شاعر برای کشف چشم‌اندازهای تازه تلاش کرده، و نکوشیده تا زوایای پنهان دنیای پر رمز و راز نوجوانی و کودکی را کشف کند. او دنباله روی شاعران قبل از خود است هم در انتخاب موضوع هم در نوع نگاه.

در بسیاری از بیتها، ضعفهای زبانی و سهل‌انگاریهای شاعر از قوت شعرها

کاسته است مثل مواردی که در ابیات ذیل می‌خوانیم:

دوباره، آسمان مدرسه، خوب
معطر می‌شود از بوی پرواز

□

سایه دستهای تو پیداست
خوب، در باغ گل‌های قالی

در هر دو بیت کلمه «خوب» حشو است و صرفاً به خاطر پر کردن وزن آمده است.

در جای دیگری شاعر می‌گوید:

شعر مرا به خواب برد
به سرزمین دور دست
به شهر پرستاره‌ای
که روشنی در آن پر است

بیان در مصراع آخر دچار مشکل است شکل صحیح آن است که گفته شود:

به شهر پرستاره‌ای که پر از روشنی است
نه این که روشنی در آن پر است!

دامنه هنرنمایی و آرایه‌های ادبی در این مجموعه بسیار محدود است و شعرها به لحاظ تخیل و تصاویر شاعرانه، بسیار فقیرند. به عبارت بهتر شاعر بیشتر حرف زده است تا شعر! به این بیتها توجه کنید:

امشب دلم تنگ است

غمگین غمگینم

زیرا که از فردا

او را نمی‌بینم....

غمگین غمگینم

امشب نمی‌خواهم

در فکر مولایم

در فکر محرابم...

□

یا این ابیات:

لغت نامه پونه‌ها

سروده حبیب‌الله
موسوی گلپایگانی



کلیشه‌ای و شعارگونه شده است. ترکیباتی مثل: چراغ زندگانی، صبح صادق، لحظه‌های خدایی، باغ نماز و... گویای این مطلب است. اصولاً برغم کثرت شعرهای مذهبی، تنوع موضوعی در میان این شعرها کم است.

موضوع غالب در این شعرها، اذان، نماز، قرآن، روزه، ائمه و... است و جای بسیاری از مفاهیم خالی است. از طرف دیگر واژه‌ها و عبارات به کار رفته هم مشخص و محدود است. واژه‌هایی چون سجاده، مناره، حرم، تسبیح، مهر و... پیام مذهبی شعر هم معمولاً با صراحت اعلام می‌شود و جایی برای کشف و جستجوی مخاطب باقی نمی‌گذارد:

بگذار که لاله‌زار رویت
از خشم خزان به دور باشد
در پشت حجاب پاکی تو
از چشم خزان به دور باشد

□

بگذار که مردمان بگویند
او تازه گل نجیب زهراست
تصویر گل محمدی هم
در پشت حجاب قاب زیباست

نکته دیگری که در اینجا لازم است به آن پرداخته شود تصویرگری کتاب است. برای گروههای سنی دبستان، علاوه بر موسیقی شعر، تصویر نیز سهم بسزایی در زیبایی شعر به خود اختصاص می‌دهد. تصاویر کتاب «طعم گلابی» همگی سیاه و سفید کار شده‌اند. در صورتی که برای گروه سنی دبستان تصاویری با رنگهای شاد و کودکانه، جذابیت دارد. ضمن این که تصاویر در بعضی از قسمتها، گویا و رساننده معنای متن نیستند. گرچه گاه زیبايند اما ارتباطی با شعر و مخاطب برقرار نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد فقر تخیل در محدوده تصاویر کتاب نیز به چشم می‌خورد، این تصویرها نه تنها تخیل کودک را بر نمی‌انگیزد بلکه گاه مانعی بر سر راه پرواز آزادانه خیال کودک می‌شود.

□

با تمام مسائلی که مطرح شد، نمی‌توان گفت در کتاب «طعم گلابی» شعرهای خوب و مناسب هم یافت نمی‌شود. به عنوان مثال شعر «دریا» که دارای وزنی کوتاه و مناسب و زبانی ساده و روان است و یا شعر «شعر یک حرف قشنگ است» از جمله شعرهای خوب این مجموعه به شمار می‌آیند.

□

«لغت نامه پونه‌ها» عنوان مجموعه شعر کودک و نوجوان سروده حمید هنرجوست که تاکنون دفترهای دیگری نیز در شعر کودک و نوجوان منتشر کرده است.

این مجموعه شامل دوازده شعر است.

قالب عمده این اشعار چهارپاره است به اضافه یک غزل و یک شعر

حیف آن مهربان پیش ما نیست
آن زن ساده و آسمانی
رفته و مانده توی اتاقش
یک سبید سوره مهربانی
□

مادر بزرگ استکانها
دیروز وقتی ناگهان مرد
بغض تمام استکانها
پای سماورها ترک خورد

در لغت نامه پونه‌ها
دوستی، شعر پروانه‌هاست
باورت می‌شود؟
شاپرک شاعر بچه‌هاست
شعر او
دوستی با خداست

امروز وقتی استکانها
در مسجد یادش نشستند
بغض سماورها را دیگر
در مجلس ختمش شکستند

پرواضح است که ذهن ساده مخاطب هفت، هشت ساله، به دلیل پیچیدگی
عنصر خیال در این شعر، فقط معنای ظاهری خاله عمه و مادر بزرگ و سینی
و کتری و سماور را درمی‌یابد، نه ارتباطی که شاعر در ذهن داشته است. بویژه
در پاره آخر شعر، ترکیبات مجلس ختم، مسجد یاد و... خارج از محدوده
تجربه و درک کودک است.

در تمام بیت‌هایی که خواندیم شاعر یا فقط حرف زده است، آن هم حرف‌های
معمولی که فقط موزون و مقفی هستند یا اگر هم حرف شاعرانه‌ای زده است،
تصاویر و ترکیباتش آن قدر کلی، کلیشه‌ای و تکراری است که احساسی را
بر نمی‌انگیزد و مخاطب را جذب نمی‌کند.

در شعری دیگری با عنوان «سیب و زمین» شاعر داستان کشف قانون
جاذبه را توسط نیوتون با بیانی شاعرانه و سرشار از احساس و خیال بیان کرده
است:

تنها نوآوری شاعر که آن هم تا حدودی
ناموفق از کار درآمده است شعر «گنجشکها» است
این شعر برخلاف شعرهای دیگر در قالب غزل سروده شده است، اما وزن
نادر و دور از ذهنی که شاعر برای آن انتخاب کرده، سبب شده است که در
ذهن خواننده شعر ناخودآگاه نوعی کمبود ریتم و موسیقی احساس شود با هم
چند بیت از آن را می‌خوانیم:

روزی از روزهای پاییزی
در میان ترانه خوانی یاد
من و اسحاق و آرزو دیدیم
اتفاقی برای سیب افتاد!

ادعایی ندارند گنجشکها
در دلم ماندگارند گنجشکها
در دل کوچک خویش باغی بزرگ
از گل و سبزه دارند گنجشکها
بوی لبخند را منتشر می‌کنند
یادگار بهارند گنجشکها

از همان روز، بچه‌ها! اسحاق
در سرش باوری عجیب افتاد
همه کار و بار او این شد
که چرا از درخت سیب افتاد؟

البته در کل مجموعه ابیات زیبا، نو و تاءثیر گذار هم می‌توان یافت اما تعداد
این ابیات بسیار انگشت‌شمار است مثل نمونه ذیل که در عین سادگی و
روانی، به دل می‌نشیند:

□
از همان اتفاق ساده به بعد
مشکل بی حساب ما حل شد
اسم اسحق در جهان پیچید
درس فیزیکش آخر، اول شد!

باز گرد سفیدی نشسته
روی این نارون‌های کم حرف
باز انشای این هفته ما
مثل هر سال درباره برف....

تا آنجا که به خاطر می‌آورم، در دوره راهنمایی بچه‌ها با قانون جاذبه آشنا
می‌شوند بنابراین شعر سیب و زمین برای کودک هفت، هشت ساله که هیچ
تصور و شناختی نسبت به این اصل علمی ندارد، نه تنها لذت بخش نیست،
بلکه گیج‌کننده و بی‌معنی هم خواهد بود.

«آفرین به آفتاب» اولین کتاب منتشر شده، شاعر جوان و خوش ذوق
غلامرضا بکتاش است.

تلاش شاعر برای کودکانه کردن شعرها، با آوردن ترکیباتی از درسهای
دوره دبستان تنها برای یک مخاطب بزرگسال که از دور به کودکیش
می‌نگرد، لذت بخش است:

کتابی که پیش روی ماست ظاهراً برای گروه سنی «ب» سروده شده است.
تصاویر شاد کتاب با رنگهای زنده و کودکانه هم گویای این مطلبند. اما
شعرها چیز دیگری می‌گویند توصیفات، تشبیهات، آرایه‌های ادبی،
کشفهای شاعرانه، همه و همه می‌گویند که این شعرها برای گروه سنی
بالا تر (ج یا د) سروده شده‌اند. برای اثبات این مدعا ناگزیر از ذکر چند مثال
هستیم:

روزهایی که آرزو خانم
بهترین همکلاس مریم بود
مشقه‌های کلاس اول ما
قصه‌های امین و اکرم بود

مادر بزرگ استکانها
با جای و سینی آشنا بود
با خاله کتری حرف می‌زد
با عمه سینی آشنا بود

□
دوستان کلاس اول من
مریم و یاس و روشک بودند

آشپاهی لذیذ می‌پختند
دخترانی که بانمک بودند

□

این عدم تناسب بین شعرها و گروه سنی مخاطب در استفاده شاعر از صنایع شعری و آرایه‌های ادبی به شکل مشخص تری بروز می‌کند. شاعر از صنایع شعری مثل تکرار، تضاد، تشبیهات ساده و... که مناسب شعر کودک هستند کمتر استفاده کرده است و اغلب ایهام، استعاره‌ها و تشبیهات پیچیده‌ای به کار برده که برای کودک قابل لمس و درک نیستند.

تعبیری که زیباست، سرشار از احساس و عاطفه شاعرانه است اما به هیچ وجه کودکانه نیست
سفره پاره کتابم را
واژه نان تازه پر می‌کرد

□

باز مادر بزرگ ثانیه‌ها
ساعت هفت و نیم می‌خوابید

□

تا اسم گرم آفتاب آمد
آب از دهان کوه راه افتاد
یک بار دیگر کاشکی خورشید
سرگرم بازی در محل می‌شد
تا مشکلات سخت یخ‌بندان
با آبهای ساده حل می‌شد

□

با صدای جیک جیک جوچه‌ها
بچه‌ها پاییز خیلی غصه خورد
زیر لب آهسته گفت: ای کاش باغ
جوچه‌ها را آخر من می‌شمرد

در شعر «خاطرات بیات» شاعر ضمن استفاده از ایهام نهفته در کلمه بیات و بازی زبانی با آن، قصه هنرنمایی داشته است. اما این هنر اولاً باز در سطح درک گروه سنی ب نیست ثانیاً به علت تکرار آن در هر بند زیبایی و تازگیش را از دست داده است:

همکلاسم «بیات» اول مهر
شکلات و نبات می‌آورد
دوستیها چقدر شیرین بود
نان قندی، بیات می‌آورد

□

همکلاسم بیات، اول مهر
شعر و نان برشته می‌آورد
چه بلاهای پسته‌ای رنگی
سرکیف فرشته می‌آورد
همکلاسم بیات، اول مهر
از تمام زرنگ‌ها، سر بود
نام او در کلاس می‌پیچید
اسم او ابتدای دفتر بود

□

زندگی مثل شعر شیرین بود
بوی شاخه نبات می‌آمد
داشت از خاطرات کهنه من
بوی نان بیات می‌آمد

□

دفتر خاطرات من، سی سال
با گل و شعر، شاپرک پر شد
ناگهان، قاصدک خبر آورد
همکلاست بیات، دکتر شد!

در شعر دیگری با نام «آرایشگاه پاییز» شاعر کشف زیبایی کرده. او با تشبیه پاییز به یک آرایشگر، تلاش کرده از عناصر فصل پاییز در ترسیم فضا و عناصر یک آرایشگاه بهره گیرد. اما به ضرورت وزن به ناگزیر به جای آرایشگاه پاییز، از کلمه «آرایش پاییز» استفاده کرده که خود نمونه‌ای از ضعف زبان شاعر است.

در همین شعر او از تکنیک دیگری سود جست که بیشتر خاص داستان است و آن تغییر زاویه دید است. * به هر تقدیر مشخص نیست شاعر از سر اجبار و ضرورت‌های شعری ناگهان زاویه دید را تغییر داده یا حقیقتاً قصد هنرنمایی داشته است و آیا اصولاً این هنرنمایی در این شعر جاافتاده و خوش نشسته است یا خیر؟

یا تمام اینها، شعرهای روان و خوب در این مجموعه کم نیستند که به عنوان مثال می‌توان از شعرهای «در حیاط مدرسه» و «آفرین به آفتاب» و «ته مانده‌های اسفند» یاد کرد.

در هر صورت «آفرین به آفتاب» اولین مجموعه شعر شاعر جوان آقای بکتاش است که می‌توان آن را در حد یک تجربه خوب پذیرفت و منتظر مجموعه‌های بعدی این شاعر ماند.

* در شعر کهن صنعتی هست به نام التفات که بی‌شابهت به تغییر زاویه دید در داستان نیست و آن این است که در یک بیت ناگهان مخاطب تغییر می‌کند.

ندانم این شب قدر است یا ستاره روز؟
تویی برابر من یا خیال در نظرم؟



از طعم گلابی
تا آفرین به آفتاب

● شاعر یا فقط حرف

زده است، آن هم حرف‌های
معمولی که فقط موزون
و مقفی هستند یا اگر هم
حرف شاعرانه‌ای زده
است، تصاویر و
ترکیباتش آن قدر کلی،
کلیشه‌ای و تکراری است
که احساسی را
بر نمی‌انگیزد و مخاطب
را جذب نمی‌کند.

● این عدم تناسب بین

شعرها و گروه سنی
مخاطب در استفاده
شاعر از صنایع شعری
و آرایه‌های ادبی به شکل
مشخص تری بروز
می‌کند. شاعر از صنایع
شعری مثل تکرار،
تضاد، تشبیهات ساده
و... که مناسب شعر
کودک هستند کمتر
استفاده کرده است و
اغلب ایهام، استعاره‌ها
و تشبیهات پیچیده‌ای
به کار برده که برای
کودک قابل لمس و درک
نیستند.

